



مرکز سنجش و ارزشیابی تحصیلی
معاونت آموزش
اداره کل سنجش و ارزشیابی

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

خرداد سال تحصیلی ۹۶-۹۵

رشته فلسفه ۹۴

مهر مدرسه

| | | |
|---------------------------|-------------|---------------|
| نام و نام خانوادگی: ۹ صبح | نمره: ۱۱ | محل: ۷۰ دقیقه |
| شماره یا نام مصحح اول | نمره بر عدد | نمره بر حروف |
| شماره یا نام مصحح دوم | نمره بر عدد | نمره بر حروف |

| | |
|------------|---------------|
| کد امتحان: | ۳۹۵۲/۱۸ |
| ترجیح: | ۹۶/۳/۱۸ |
| عنوان: | فلسفه ۴ |
| کتاب: | نهایه الحکمه |
| معمود: | مراحل ۱۰ و ۱۱ |

نام و نام خانوادگی: نام مدرسه: کد طلایی: مدرسه علمیه: شهرستان:

۰/۵

۱. تقدم و تأخر بالطبع

الف) تقدم علت ناقصه است بر معلول ☐

ب) تقدم علت تامه است بر معلول ☐

ج) تقدم اجزاء ماهیت بر جنس ☐

د) هیچکدام ☐

۰/۵

۲ - ملاک تقدم و تأخر بالعلیه.....

الف) وجود است. ☐

ب) وجوب وجود است. ☐

ج) الف و ب ☐

د) وجود اعم از رابط و مستقل است ☐

۰/۵

۳ - مراد از عقل اجمالی این است که

الف) هیچ یک از معقولات آن بالفعل نباشد. ☐

ب) معقولات بالفعل متمیز از هم باشد. ☐

ج) معقولات بالفعل بدون تمیز بعضی از بعض ☐

د) هیچکدام ☐

۰/۵

۴ - کدام گزینه معلوم ضروری تصویری نیست؟

الف) وجود ☐

ب) وحدت ☐

ج) زوجیت اربعة ☐

د) شیء ☐

۰/۵

۵ - مفهوم کلی از مفاهیمی است که

الف) حیثیت مصداقش، حیثیت در خارج بودن است. ☐

ب) حیثیت مصداقش، حیثیت در خارج نبودن است. ☐

ج) از مفاهیم حقیقی است. ☐

د) حیثیت مصداقش، حیثیت در ذهن بودن است. ☐

۰/۵

۶ - کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) مفاهیمی که هم بر واجب و هم بر ممکن حمل می شود مفاهیم حقیقی اند ☐

ب) مفاهیمی که بر بیش از یک مقوله حمل می شوند اعتباری اند. ☐

ج) مفاهیم اعتباری حد ندارند ☐

د) مفاهیم اعتباری حد چیزی واقع نمی شوند. ☐

۱

۷ - تقدم متأخر بالدهر را با مثال توضیح دهید. ج ۳، ص ۸۷۴

تقدم و تأخر دهری عبارت است از تقدم علت تام بر معلولش و تأخر معلول از علت تامش، اما نه از آن جهت که علت تام به معلول خود وجوب و ضرورت می دهد و وجود آن را افاضه می کند بلکه از آن جهت که وجود علت منفک و جدا از وجود معلول است و عدم معلول در مرتبه وجود علت تقرر دارد؛ مانند تقدم عالم مجرد عقلی بر عالم ماده.

۸- معنای صحیح حدوث زمانی چیست؟ ج ۳، ص ۸۹۷

کل زمان حادث زمانی می‌باشد، زیرا زمان مقدار گذرا و سیال برای حرکت است و حرکت عبارت است از خروج تدریجی شیء از قوه به فعل و از این رو فعلیت وجود زمان مسبوق به قوه وجود آن می‌باشد و این همان حدوث زمانی است.

۹- برگشت علم حصولی را به علم حضوری از نظر علامه (ره) تبیین کنید. ج ۴، ص ۹۲۲

علم حصولی به علم حضوری می‌انجامد؛ بدین معنا که آن چه در نظر بدوی علم حصولی می‌نماید، عبارت است از علم حضوری به موجودات مجرد عقلی و مثالی و مشاهده آنها از دور. و در برخی از موارد علم حصولی، میان عالم و معلوم رابطه علیت و معلولیت برقرار نیست، بلکه هر دو معلول یک علت سوم می‌باشند. [در این موارد، نفس علم به موجود مجردی دارد که نه معلول نفس است و نه علت نفس. بنابراین، دو معلول یک علت ثالث، در صورتی که هر دو مجرد باشند، می‌توانند علم حضوری به یک دیگر داشته باشند.

۱۰- چرا مفیض صور عقلیه باید جوهر مجرد عقلی باشد؟ ج ۴، ص ۹۷۳

.. محال است که علت افاضه کننده و به وجود آورنده صورت‌های علمی خود نفس باشد، زیرا مستلزم آن است که شیء واحد [نسبت به یک امر خاص] هم فاعل و به وجود آورنده آن باشد و هم قابل و پذیرنده آن و سر بطلانش آن است که حیثیت فعل و ایجاد، حیثیت وجدان و دارایی است و حیثیت قبول و پذیرش، حیثیت فقدان و نداری و این دو حیثیت غیر قابل جمع اند. هم چنین علت افاضه کننده صورت‌های علمی را نمی‌توان امر مادی دانست، زیرا وجود مادی ضعیف‌تر از وجود مجرد است، در حالی که وجود علت همیشه قوی‌تر از وجود معلول می‌باشد. پس محال است که موجود مادی، علت به وجود آورنده موجود مجرد باشد. افزون بر آن که: اثر گذاری علت‌های مادی مشروط به وضع است و میان علت مادی و نفس، که مجرد از ماده است، هیچ وضعی نمی‌تواند برقرار شود. پس تنها احتمالی که باقی می‌ماند آن است که علت افاضه کننده این صورت‌های عقلی، یک جوهر مجرد عقلی است که از دیگر عقل‌های مجرد به نفس نزدیک‌تر می‌باشد. این جوهر مجرد عقلی، جامع همه صورت‌های عقلی است و آنها را به طور اجمال، [یعنی به نحو بسیط و بدون تفصیل و تمییز] تعقل می‌کند. نفسی که استعداد و آمادگی تعقل را به دست آورده، به میزان استعداد و آمادگی‌اش، با آن عقل مجرد متحد می‌گردد و صورت‌های عقلی را که زمینه ادراکش در وی حاصل گشته، از آن عقل مجرد کسب می‌کند.

۱۱- چرا از نظر علامه (ره) نسبت حکمیه از اجزاء قضیه نیست؟ ج ۴، ص ۹۸۲

حقیقت آن است که نیاز به تصور نسبت حکمیه در قضیه تنها از آن روست که حکم، از آن جهت که یک فعل نفسانی است، نیازمند آن می‌باشد، نه از آن جهت که جزء قضیه است. بنابراین، نسبت حکمیه، بر فرض تحقق، بیرون از قضیه است و از اجزای آن محسوب نمی‌شود. دلیل بر این که نسبت حکمیه جزئی از قضیه نبوده و قضیه متوقف بر آن نمی‌باشد، آن است که هلیات بسیطه با این که قضیه‌اند، نسبت حکمیه ندارند و این نشان می‌دهد که قضیه، از آن جهت که قضیه است، برای تحقق خود نیاز به نسبت حکمیه ندارد.

۱۲- تفاوت مفاهیم حقیقی و اعتباری به عنوان اقسام علم حصولی در چیست؟ ج ۴، ص ۹۹۹

مفاهیم حقیقی اموری هستند که حیثیت مصداقشان نه عین حیثیت وجود خارجی است، نه عین حیثیت عدم و نه عین حیثیت وجود ذهنی. لذا هم می‌توانند در خارج موجود شوند و هم در ذهن. اما مفاهیم اعتباری، برخلاف مفاهیم حقیقی، حیثیت مصداقشان از سه حال بیرون نیست: یا عین حیثیت بودن در خارج است، یا عین حیثیت نبودن در خارج است و یا عین حیثیت بودن در ذهن می‌باشد. مصادیق دسته نخست تنها در خارج تحقق می‌یابند و هرگز به ذهن نمی‌آیند؛ مصادیق دسته دوم نه در خارج تحقق می‌یابند و نه در ذهن و مصادیق دسته سوم تنها در ذهن تحقق می‌یابند و هرگز نمی‌توانند لباس وجود خارجی بر تن کنند. دو دسته نخست همان معقولات ثانوی فلسفی است و دسته سوم معقولات ثانوی منطقی را تشکیل می‌دهد. از آن چه بیان شد دانسته می‌شود که مفاهیم اعتباری، اموری ذهنی و معلوم برای ما می‌باشند، اما مصداقشان یا خارجی محض است که هرگز وارد ذهن نتواند شد؛ مانند وجود و امور ملحق به آن و یا بطلان صرف است مانند عدم و یا ذهنی صرف است که راهی به سوی وجود خارجی ندارد

۱۳- قول مختار مرحوم علامه (ره) درباره گستره علم حضوری چیست؟ (مصادیق آن را ذکر کنید با دلیل؟) ج ۴، ص ۱۰۱۵

حکمای مشاء علم حضوری را منحصر به علم شیء به خودش دانسته‌اند و حکمای اشراقی آن را تعمیم داده‌اند که از نظر علامه حق با حکمای اشراقی است. دلیل این که هر علتی علم حضوری به معلول خود دارد آن است که وجود معلول، نسبت به وجود علتش یک وجود رابط و وابسته به وجود علتش بوده، هیچ نحوه استقلال از آن ندارد. و بنابراین، معلول با تمام وجودش نزد علتش حضور دارد و از آن محجوب و پنهان نیست. در نتیجه، علت به وجود خارجی معلول، علم حضوری خواهد داشت و البته این در صورتی است که علت و معلول هر دو مجرد باشند.

هم چنین علت با وجود خارجی خود نزد معلولش، که عین ربط به علت بوده و وابسته به آن می‌باشد و استقلالش به استقلال آن علت می‌باشد، حضور دارد. بنابراین، معلول، علم حضوری به علت خود دارد و البته این در صورتی است که علت و معلول هر دو مجرد باشند. بدین صورت علم حضوری علت و معلول به یک دیگر ثابت می‌گردد و این همان نتیجه مطلوب است.

هم چنین دو معلول یک علت سوم، در صورتی که هر دو مجرد باشند، می‌توانند به یک دیگر علم حضوری داشته باشند، زیرا علم حصولی به علم حضوری می‌انجامد بدین معنا که آن چه در نظر بدوی علم حصولی می‌نماید، عبارت است از علم حضوری به موجودات مجرد عقلی و مثالی و مشاهده آنها از دور؛ و در برخی از موارد علم حصولی، میان عالم و معلوم رابطه علیت و معلولیت برقرار نیست، بلکه هر دو معلول یک علت سوم می‌باشند. در این موارد، نفس علم به موجود مجردی دارد که نه معلول نفس است و نه علت نفس. بنابراین، دو معلول یک علت ثالث، در صورتی که هر دو مجرد باشند، می‌توانند علم حضوری به یک دیگر داشته باشند.